

عبری بیاموزیم

درس پنجم

מה לעשות ? - چه باید کرد؟

אָבִיגַדּוֹר לוֹמֵד בְּאוֹנוֹבֶרְסִיטָה וּגְרָטִיחָן : עֹזָרָא גָּר בְּאַסְפָּחָן , עַכְשָׂו אֵין לוּ עֲבֹדָה וְגַם הוּא בָּא לְתִיחָן . اویگدور در دانشگاه درس می خواند و در تهران زندگی می کند. عزرا در اصفهان زندگی می کند. اکنون او کاری ندارد و او هم به تهران آمده است.

שְׁנֵי הַחֶבְרִים הַוְלָכִים בְּרוּחָב וּמְשׁׁוֹחָחִים : יְשׁ לִי דּוֹד , – אָוָמֵר עֹזָרָא , הַדּוֹד שְׁלִי הוּא פּוּעָל בְּבֵית-הַחֶרְשָׁתָה : این دو دوست در خیابان می روند و صحبت می کنند. عزرا می گوید: من یک عمود دارم . عمومی من در کارخانه کار می کند.

דוֹדִי עוֹבֵד הַרְבָּה , בְּבֵית – הַחֶרְשָׁתָה עוֹבְדִים הַרְבָּה , עוֹבְדִים קָשָׁה , אֲבָל הֵם שְׁמָחִים מְאֹד , דּוֹדִי אָוָמֵר : عمومیم زیاد کار می کند. در کارخانه زیاد کار می کنند، سخت کار می کنند. اما آنها بسیار شادند. عمومیم می گوید:

"הַעֲבֹדָה הִיא שְׁמָחָה" , אַתְּמֹול הַיִּתְיָא אַצְלְדוֹדִי בְּבֵית-הַחֶרְשָׁתָה , הוּא אָמֵר לִי : עֹזָרָא , בָּזָא אֶל בְּבֵית-הַחֶרְשָׁתָה ! "کار یعنی شادی". دیروز نزد عمومیم در کارخانه بودم. او به من گفت : عزرا، به کارخانه بیا!

מה לעשות ? לילכת לגבית – הַחֶרְשָׁתָה או לא לילכת ? מה אַתָּה אָוָמֵר ?
چه باید کرد؟ به کارخانه بروم یا نروم؟ تو چه می گویی؟

קָשָׁה לְהַגִּיד לֹךְ מֵה לְעַשׂוֹת , עֹזָרָא , – אָוָמֵר אָבִיגַדּוֹר , – נְכוֹן , בְּבֵית-הַחֶרְשָׁתָה הַחִינִים קָשִׁים اویگدر می گوید : عزرا، سخت است که به تو بگوییم چه بکنی. درست است، در کارخانه زندگی سخت است.

אֲבָל הַדּוֹד שְׁלִיךְ אָוָמֵר : הַעֲבֹדָה הִיא שְׁמָחָה , זה נְכוֹן ! אֵין שְׁמָחָה בְּחִינִים בְּלִי עֲבֹדָה , גַּם אָנִי אָוָמֵר לֹךְ : اما عمومی تو می گوید: کار یعنی شادی. این درست است. در زندگی بدون کار شادی وجود ندارد. من هم به تو می گوییم:

לֹךְ לְבֵית-הַחֶרְשָׁתָה , עֹזָרָא ! וְעַכְשָׂו צְרִיךְ לִילכת לְאַכּוֹל ,
به کارخانه برو عزرا ! و اکنون باید برای غذا خوردن بروم. ما به رستوران می رویم

آنچنانه هولّکیم لمسّعده لآکول ارزوخت چهاریم. طوب ماد، یش لی تاکون، بروک هش، خیلی عالی است. من هم خدا را شکر اشتها دارم، ما به رستوران می‌رویم تا ناهار بخوریم.

و آنی روزه لآکول، هید لی، ببکش، ایفه اوکلیم فه بوزل، یتوب؟ برهوب هزار یش مسّعده توپه، و من می‌خواهم غذا بخورم، لطفا به من بگو، اینجا غذای ارزان و خوب را کجا می‌خورند؟ در این خیابان رستوران خوبی وجود دارد.

کل هستودنیم اوکلیم شم، اثمه مول اکلته گم آنی بمسّعده هزار و هاکل هیه طوب ماد. آنچنانه هولّکیم! همه دانشجویان در آنجا غذا می‌خورند. من هم دیروز در این رستوران غذا خوردم و غذا خیلی عالی بود. ما هم می‌رویم!

بمسّعده - در رستوران

شلوم، چهاریم؛ مه اثتم روزیم لآکول؟ مه یش لکم هارونات-هزارهایم؟ هنجه هتفپریت، ببکش لکروآ! سلام دوستان! شما چه چیزی برای خوردن میل دارید؟ امروز شما برای ناهار چه دارید؟ این صورت غذا (منو) است. لطفا بخوانید!

آنچنانه روزیم لآکول ولاء لکروآ! ببکش، یش لنو مرك، گجیم ویرکوت. مه لثت لکم؟ تنی لنو مرك. ما می‌خواهیم بخوریم، نه اینکه بخوانیم! خواهش می‌کنم، ما سوب، ماهی و سبزیجات داریم. به شما چه بدھیم؟ به ما سوب بدھید.

اینچه مرك اثتم روزیم؟ منک-یکوت، ببکش، لپنی همرک تنی لنو منه راشونه. مه یش لکم لمنه راشونه؟ شما چه نوع سوبی می‌خواهید؟ سوب سبزیجات: لطفا، قبل از سوب به ما پیش غذا بدھید. برای پیش غذا چه دارید؟

یش لنو سلطه هی. سلطه شل عجبنیوت. و مه لثت لکم اخر چه؟ چه بمیز عجبنیوت او چه هی؟ سالاد خام داریم. سالاد گوجه فرنگی. و پس از آن به شما چه بدھیم؟ ماهی در آب گوجه فرنگی یا ماهی "زنده"؟

چه هی؟! آنی لاء می‌بین، می‌اوکل چه هی؟! ماهی زنده؟! من نمی‌فهمم. چه کسی ماهی زنده می‌خورد؟

لآ-که، چهار! هرگ لاء هی، لگیم من هیم شلنگ، آنچنانه کوکایم "چه هی". این طور نیست رفیق! آن ماهی زنده نیست. ما، ماهی‌های دریایی خودمان را "ماهی زنده" می‌مانیم.

آنچنانه کوکایم ات هگیم هاله هیم، ژه هرگ من یم-تیز، چه مازیز! طوب، تنی لنو شتی منوت چه هی. ما این ماهی‌ها را زنده می‌خیریم. این ماهی از "دریای خزر" است. ماهی عالی! خوب است، به ما دو پرس ماهی زنده بدھید.

אַחֲרֶכָּה לְמִנְהָ הַאֲחֵרוֹנָה תְּהִי לְנוּ מְנֻקָּפְרוֹת קָרָ. וְבַיּוֹם חַם מֵאָדָ, וְבַיּוֹם חַם טֻוב מֵאָדָ.

و پس از آن برای "خوراک آخر" (دسر) به ما کمپوت (میوه) خنک بدھید. امروز خیلی گرم است، در روز گرم خوب است که

לְאַכּוֹל מְנֻקָּפְרוֹת קָרָ, סְלִיחָה, אֵין לְנוּ הַיּוֹם מְנֻקָּפְרוֹת. كمپوت (میوه) خنک خورد. بخشید، امروز کمپوت (میوه) نداریم،

אַנְיִ נוֹתַנָּה לְכֶם לְמִנְהָ הַאֲחֵרוֹנָה פְּרוֹת, טֻוב, תְּנִי לְנוּ, בְּבִקְשָׁה, גַּם מִים קָרִים לְשִׁתּוֹת. من به عنوان دسر به شما میوه می دهم. خوب است، لطفا به ما آب سرد برای نوشیدن هم بدھید.

אֵיך הַאֲכָל, חֶבְרִים? הַאֲכָל מֵאַזִּין! גַּם אַתְּמֹול הַיָּה הַאֲכָל טֻוב מֵאָדָ, כֵּן, חֶבְרִים, אַצְלָנוּ פֶּלֶ-יּוֹם הַאֲכָל טֻוב מֵאָדָ!

غذا چطور است، رفقا؟ غذا عالی است! دیروز هم غذا بسیار خوب بود. بله دوستان، نزد ما هر روز غذا بسیار خوب است!

* * *

افعال جدید (زمان حال)

مصدر	معنی	مفرد مذکور	مفرد مذکور	جمع مؤنث	جمع مؤنث	امر مفرد مذکور	امر مفرد مذکور
לְהַבִּין	فهمیدن	מְבִינָה	מְבִינָה	מִבְּינֹת	מִבְּינֹת	בֵּין	בֵּין
לְתַתָּה	دادن	נוֹתָן	נוֹתָן	נוֹתָנֹת	נוֹתָנֹת	תַּתָּן	תַּתָּן
לְהַגִּיד	اطلاع دادن (گفتن)	מַגִּיד	מַגִּיד	מְגִידות	מְגִידות	הַגִּיד	הַגִּיד

صفات و ضمیرهای ملکی

زכר مذکور	ضمایر ملکی متصل	برای-تعلق داشتن به ل-	داشتن י-ش ل-	نداشتن ي-ش ل-	تعلق داشتن به ش-
אני	-י	לִי	יִשְׁלִי	אֵין לִי	שְׁלִי
אתה	-ך	לְךָ	יִשְׁלָךָ	אֵין לְךָ	שְׁלָךָ
הוא	-	לֹו	יִשְׁלֹו	אֵין לֹו	שְׁלֹו
آنچنانچه	-נוּ	לְנוּ	יִשְׁלְנוּ	אֵין לְנוּ	שְׁלְנוּ
אתם	-כֶם	לְכֶם	יִשְׁלֶכֶם	אֵין לְכֶם	שְׁלֶכֶם
هم	-הֶם	לְהֶם	יִשְׁלֶהֶם	אֵין לְהֶם	שְׁלֶהֶם

نحوه مؤنث

شـلـي	اـين لـي	يـش لـي	لـي	-ي	أـني
شـلـكـ	اـين لـكـ	يـش لـكـ	لـكـ	-كـ	أـتـ
شـلـهـ	اـين لـهـ	يـش لـهـ	لـهـ	-هـ	هـيـا
شـلـنـوـ	اـين لـنـوـ	يـش لـنـوـ	لـنـوـ	-نـوـ	أـنـهـنـيـ
شـلـكـنـ	اـين لـكـنـ	يـش لـكـنـ	لـكـنـ	-كـنـ	أـفـنـ
شـلـهـنـ	اـين لـهـنـ	يـش لـهـنـ	لـهـنـ	-هـنـ	هـنـ

كلمات جديدة:

مسعدة	ميسادا	رسوران	دـ	داـگـ	ماـهـيـ	مـصـوـيـانـ	عـالـىـ	آـبـ
تـفـرـيـطـ	صـورـتـ غـذـاـ منـوـ	عـجـبـنـيـهـ	عـكـبـنـيـهـ	گـوـجـهـ فـرنـگـیـ	عـگـوـانـیـاـ	مـضـیـانـ	عـالـىـ	آـبـ
مـنـهـ	(برـسـ) غـذـاـ	يـرـكـوـتـ	سـبـزـيـجـاتـ	پـرـاقـوتـ	قـاشـهـ	كـشـهـ	سـخـتـ	عـالـىـ
تـآـبـونـ	اشـتـهـاـ	پـرـوـتـ	مـيـوهـجـاتـ	پـرـوـتـ	حـيـ	حـيـ	زـنـدـهـ خـامـ	آـبـ
مـارـاقـ	سـوـپـ	درـيـاـ	يـامـ	يـامـ	مـبـيـنـ	مـبـيـنـ	فـهـمـيـدـنـ	عـالـىـ
مـسـوـحـّـجـ	صـحـبـتـ كـرـدـنـ	دـيـروـزـ	اـتـمـولـ	اـتـمـولـ	اـخـرـكـاخـ	اـخـرـكـاخـ	بعدـ اـزـ اـينـ	آـبـ
لـهـجـيدـ	اطـلـاعـ كـرـدـنـ	مـالـ ...ـ	شـلـ	شـلـ	سـافـاـ	سـافـاـ	زـبـانـ	عـالـىـ
هـيـاـ	بـودـ	آـخـرـونـ	آـخـرـ	آـخـرـ	كـاخـ	كـاخـ	اـيـنـطـورـ	آـبـ

بخوان و صحبت کن

کـیـهـ هـیـوـمـ يـوـمـ شـلـیـشـیـ، اـتـمـوـلـ کـیـهـ يـوـمـ شـنـیـ، هـیـوـمـ حـمـ. اـتـمـوـلـ کـیـهـ کـرـ، اـتـمـوـلـ هـ اـ لـأـ
کـیـهـ بـبـيـتـ، اـتـمـوـلـ (أـنـيـ) کـیـتـيـ بـکـوـلـنـوـعـ، کـیـتـيـ بـأـ لـفـنـ،
شـلـ - لـعـزـرـ دـوـدـ، - دـرـوـدـ شـلـ عـوـبـدـ کـشـهـ،
کـشـهـ کـشـهـ لـعـبـوـدـ بـيـوـمـ حـمـ، لـ اـ کـشـهـ لـلـمـوـدـ عـبـرـيـتـ، هـشـهـهـ العـبـرـيـتـ شـهـهـ هـاـ کـشـهـ.

درس قبلی

درس بعدی